

زیبای «ابوالفضل گل ایلله عنایت آتام اوغلی» در تیراژ پایانی و در برخی از سکانس ها که خیلی دقیق و درست و به اندازه استفاده شده و حس معنویت، حماسه و برادری را منتقل می کند. این نوحه زبان حال حضرت ابا الفضل علیه السلام با امام حسین صلوات الله علیه هست، از طرفی موقعیت های برادری در سریال بسیار زیاد است، چه از جنس برادری نسبی مهدی و حمید (که البته فراتر از آن است) و چه برادری دینی و عاطفی خسرو و محمد (ممد) و این یعنی فرم که تمام اجزای اثر شامل موسیقی، داستان، فضا، شخصیت ها و... در ترکیب و هماهنگی با هم یک کل را منتقل می کنند که حس برادری تولید می کند، حسی که از خط مقدم تا پشت جبهه و خیابان های شهر ادراک می شود. ناتوانی در ساختن قهرمان از مهم ترین خلأ های روایت های

زمانه ماست؛ اما «عاشورا» به خوبی از پس ساختن قهرمان برمی آید. حجازی فر به سراغ شخصیتی رفته که سال ها عاشقش بوده. روایت مهدی باکری برای هادی حجازی فر نوحه یک سوژه جذاب رسانه ای، بلکه مسأله و دغدغه ای همیشگی بوده که با تمام وجودش پیوند خورده است. همین یگانگی و پیوند، خود را بر تکنیک چیره کرده و قهرمانی برای ما ساخته که فرمانده ای سلحشور است، بشدت خانواده دوست است، خیلی مردمی است و در برابر نیروهایش متواضع است. قهرمان روایت ما، برخی اوقات کلافه می شود، گاهی از کوره درمی رود، عصبانی می شود، در جایی دیگر می خندد، شوخی می کند، و در همه این حالات، ما کنار قهرمان دست یافتنی مان هستیم.



می باشد و روایت پلپو را بی حمید که نخ هایش محیط گرم پر از عشق و محبت خانه را به سرمای سوزناک هورگره می زند. سریال مملو از روابط بشری و انسانی است. بیش از هر چیز دیگری ما با انسان هایی مواجهیم که روابط حاکم بر آن ها سراسر ایثار، فداکاری، رفاقت و مروت است. روابطی که همه در فضای جبهه های دفاع مقدس شکل می گیرد. این شرافت در نسبت با دشمن نیز برقرار است. خسرو به جسد یکی از نیروهای بعثی برمی خورد که سه ساعت روی دست دارد. خسرو خم می شود و ساعت ها را یکی یکی از روی دستش بیرون می آورد. از جای ساعت سوم روی دست، متوجه می شود که این ساعت متعلق به خود نیروی بعثی است، به همین دلیل آن را روی دستش برمی گرداند. در جای دیگر با وجود غم از دست دادن عزیزان و خشم از دشمن، مهدی باکری دستور عدم برخورد با اسرای بعثی را می دهد. یکی دیگر از ویژگی های ممتاز سریال عاشورا، توجه به نوحه ها و آیین سینه زنی در جبهه ها است. سینه زنی دسته جمعی لشکر ۳۱ عاشورا، تیراژ ابتدایی سریال است. استفاده از نوحه

”

ناتوانی در ساختن قهرمان از مهم ترین خلأ های روایت های زمانه ماست؛ اما «عاشورا» به خوبی از پس ساختن قهرمان برمی آید. حجازی فر به سراغ شخصیتی رفته که سال ها عاشقش بوده

